

## Explaining the Role of Normative Hijab among Women in Tabriz

*Kamal Kouhi*<sup>1</sup>

One of the Fundamental and basic principles of Islam is considered as the Islamic dress and hijab regard by women and men in society, Also, the dress style as an effective tool in establishing social relationships of people, so dress style is affected in identity formation. Diversity and fitness clothes that show individuals identity, may be changed over time with economic, demographic Change and other social change. In the same way, the main propose of the article, in the first step determining dress style and hejab among women 15 to 45 years and secondly to identify variables impact of national identity, religion, age and education on the style of dress and hejab is considered.

Research was done through survey method with 542 samples. Sampling Method was Combination of Multi-Stage Cluster ,Random Sampling. and By questionnaires collected necessary information from women 15 years old age and over. For preliminary analysis of data is Used SPSS version 17 is used and for modeling the causes of dress style and Islamic hejab among women's Lisrel software of version 8/5 is Used.

After data analyzing ,findings show that: Average norms regard of Islamic dress among women in Tabriz is located in an appropriate level which is 66.2%. This rate was higher than the average percentage of the spectrum. The results of correlation analysis showed that national, religiosity, age and education identity, except for the legal variable, had a significant correlation with the amount of adherence to normative hijab. Between variables National identity, religion, age and education except for legalism is a significant correlation with dress style and Hejab , this variables explained to 20 percent of the variable variance of dress style and Hejab.

Final models produced in the Lisrel software indicate that variables of National identity, religion, age and education are affecting factors on dress style and Hejab among women.

**Keywords:** Women, Hijab, Dress Style, National Identity, Religion

---

1. Associate Professor, Department of Sociology, Social Research Center, Tabriz University, Tabriz, Iran.

## تبیین میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری در میان دختران و زنان شهر تبریز

کمال کوهی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

### چکیده

پوشش اسلامی و رعایت حجاب از سوی زنان و مردان در جامعه، یکی از اصول اساسی و بنیادی دین مبین اسلام تلقی می‌شود؛ چون پوشش به‌عنوان ابزار مؤثری در برقراری ارتباطات اجتماعی افراد بوده و در شکل‌گیری هویت آنان تأثیرگذار است. تنوع و تناسب لباس که نشان‌دهنده هویت افراد است، امکان دارد در طول زمان همراه با تحولات اقتصادی، جمعیتی و دیگر تغییرات اجتماعی دگرگون شود. در همین راستا، هدف اصلی مقاله تعیین میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری در بین دختران و زنان ۱۵ تا ۴۵ ساله و تبیین تأثیر عواملی مانند هویت ملی، دین‌داری، قانون‌گرایی، سن و تحصیلات بر آن است. تحقیق به روش پیمایشی، با تعداد نمونه ۵۴۲ نفر انجام شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای توأم با تصادفی ساده بوده و به‌وسیله پرسش‌نامه اطلاعات لازم از دختران و زنان ۱۵ تا ۴۵ ساله شهر تبریز گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری در میان دختران و زنان شهر تبریز، ۶۶/۲ درصد برآورد شده است. این میزان بالاتر از متوسط درصدی طیف یعنی ۵۰ بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل همبستگی نشان داد که هویت ملی، دین‌داری، سن و تحصیلات، به‌جز متغیر قانون‌گرایی با میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری همبستگی معنی‌داری دارند. در مجموع این متغیرها در مدل معادلات ساختاری برازش شده (Lisrel) ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری را مورد تبیین قرار می‌دهند. مدل نهایی تولیدشده در نرم‌افزار لیزرل نشانگر این است که متغیرهای دین‌داری، هویت ملی، تحصیلات و سن از جمله عوامل مؤثر بر میزان پایبندی به پوشش و حجاب هنجاری دختران و زنان تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زنان؛ حجاب؛ پوشش هنجاری؛ هویت ملی؛ دین‌داری؛ قانون‌گرایی.

## مقدمه

پدیده بدحجابی و فراتر از آن - مسأله زنان - یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در حوزه قدرت نرم هم‌اکنون با آن مواجه است و احتمالاً دامنه این مسأله در آینده گسترده‌تر خواهد شد؛ بنابراین عدم توجه به پیچیدگی مسأله و برخورد ساده‌انگارانه با آن، امکان دارد به نتایج عکس منجر شود. پدیده حجاب و پوشش از سه منظر دینی، هویتی و سیاسی قابل بررسی است؛ زیرا از یک سو دستور اکید و صریح دین مبین اسلام است و از سوی دیگر، نماد فرهنگ و هویت ایرانی می‌باشد (محبوبی منش، ۱۳۸۶: ۹۴). بر همین اساس در تحقیق حاضر به موضوع پراهمیت حجاب و پوشش هنجاری پرداخته شده است.

پوشاک، بارزترین سمبل فرهنگی<sup>۱</sup> در هر جامعه است که تحت تأثیر فرایند فرهنگ‌پذیری قرار می‌گیرد. وقتی فرهنگ‌ها درهم آمیخته می‌شوند مردم برخی از عناصر فرهنگی را از فرهنگ‌های دیگر و برخی را از فرهنگ خودشان کسب می‌کنند. اگر اثرات فرهنگ‌ها بر همدیگر متناقض باشند، برخی از فعل و انفعالات و فشار روانی در جامعه را ایجاد می‌نمایند (یان‌دیس و چارالامبوس<sup>۲</sup>، ۱۳۸۳: ۱۱۷). اخلاق، پوشش معیاری برای ارزیابی و بازتاب آن برای فرد است. اگر لباس متناسب با فرهنگ جامعه در تن داشته باشید، قضاوت جامعه و افراد در خصوص فرد مثبت خواهد بود. به عبارت دیگر، پوشش لباس مؤدبانه نشانگر داشتن اخلاق خوب و پوشش لباس نامناسب نشانگر داشتن اخلاق بد است؛ بنابراین، لباس و پوشش جدا از عملکرد محافظتی، نوعی نماد ارتباطی است و برای نمایش وضعیت اقتصادی، تحصیلات، وضعیت اجتماعی، وضعیت اخلاقی، علائق و سلیق، نظام باورهای دینی، سیاسی و فلسفی فرد به‌شمار می‌رود (فتجری نور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸: ۲۳).

حجاب به‌مثابه رسانه ارتباطی نمادین و کنش اجتماعی است که فرد کنشگر برای آن معنای ذهنی و ارزشی نمادین قایل است؛ به‌نحوی که کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان‌فردی و تحت تأثیر انتظارات دیگران در حوزه عمومی است. از این نگاه حجاب امری نیست که صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل داده شود، بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش و پیرایش بدن و زبان اشیا در عرصه ارتباطات غیرکلامی نیز می‌شود. این برداشت از حجاب ممکن

1. Cultural Symbol  
2. Yandis.T and Charalambos.H  
3. Fatjri Nur. T

است تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی شکل و قالب متنوع با جوهر و محتوایی یکسان یا برعکس داشته باشد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

در برهه‌ای از زمان، پوشش عمدتاً ابزاری برای رهایی انسان از گرما و سرما به حساب می‌آمد؛ اما امروزه این کارکرد پوشش در اثر توسعه جوامع و گسترش دانش و تکنولوژی دچار دگرگونی اساسی و بنیادی شده است. به این ترتیب جنبه تزئینی پوشش و لباس در شرایط کنونی اهمیت بیشتری یافته است. دیگر هدف از پوشش تنها پوشاندن بدن انسان نیست؛ بلکه تبدیل به وسیله‌ای برای زیباتر شدن، جلوه‌نمودن و مشخص نمودن جایگاه و پایگاه طبقاتی افراد و در بسیاری از مواقع مذهب افراد شده است (قنبری، ۱۳۸۵: ۲). در علم نشانه‌شناسی، پوشش و لباس دال بر معناداری آن در قالب نظام نشانه‌هاست که به صورت قراردادی در جامعه مطرح هستند از این رو، با توجه به دلالت‌های هویتی هر نشانه در یک بافت اجتماعی، پوشش را نیز می‌توان دارای دلالت هویتی برگرفته از نظام نشانه‌شناسی بافت اجتماعی مربوط به خود دانست. دلالت‌های زیباشناختی، فرهنگی یا ایدئولوژیک پوشاک را نیز می‌توان با رمزگشایی از نظام نشانگانی آن دریافت؛ نشانگانی که در ساختار و دیگر خصایص پوشاک وجود دارد؛ به نحوی که ممکن است در بستر ایدئولوژیک جامعه‌ای، نوعی از پوشاک، زیبا و در بستر ایدئولوژیک مقابل آن، همان پوشاک نازیبا شناخته شود (یاسینی، ۱۳۹۹: ۹۱).

برخی‌ها عقیده دارند که در فرایند فرهنگ‌پذیری، استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری در وهله اول از طریق پوشاک صورت می‌گیرد. حتی می‌توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه تولید آن‌ها را نیز دچار دگرگونی نمود و تغییرات و تحولات در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه ایجاد کرد (خادمی، ۱۳۹۲: ۳۵) بنابراین، لباس و پوشاک یکی از ابزارهای مهم در جهت نفوذ فرهنگی در جوامع محسوب می‌شود که قدرت‌های استعمارگر از این اهرم به نحو گسترده‌ای برای نفوذ فرهنگی در جوامع و گسترش ابتذال و بی‌بندوباری استفاده می‌کنند. به کارگیری گسترده مجله‌های خارجی که الگوهای پوشش غربی را ترویج می‌کنند، در طراحی و تولید لباس‌های زنانه در همین راستا صورت می‌گیرد.

یکی از ارزش‌های اصیل و مسائل روز جوامع انسانی به‌ویژه جامعه ایران موضوع پوشش زنان است. پوشش زنان، دربرگیرنده عظیم‌ترین و شگرف‌ترین پیامدهای ممکن از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و اقتصادی در جامعه می‌باشد؛ چراکه در فرهنگ اسلامی زن همچون گوهر گران‌بهایی است که حفاظت و پاسداری از منزلت و کرامت و عفت او، از اهم وظایف و

تکالیف افراد جامعه است. در تعلیمات اسلامی از نقش زنان و موقعیت و اثر آنان در جامعه به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل مصالح و مفاسد اجتماعی نام برده شده است (حسینی‌منش، ۱۳۷۱). پوشش و حجاب مناسب در میان همه ادیان آسمانی مورد تأکید است. در آیین یهودی ضرورت دارد که در اجتماع:

- زن با پوشش سر به میان مردان برود؛
- زن نباید از روی سبک‌سری با هر مرد نامحرمی به‌گفت‌و‌گو بپردازد؛
- زنی که با صدای بلند درحالی که همسایگان صدای او را می‌شنوند، درباره امور زناشویی گفت‌و‌گو کند، خلاف شرع مرتکب شده است؛
- لباس باید به حدی گشاد و آزاد باشد تا اندام بدن به هیچ وجه در آن برجسته نگردد و کمر بند بسته نشود؛
- آستین‌ها باید تا مچ دست را بپوشاند؛
- گردن از طرفین تا شروع شیب کتف از پشت و در جلو تا بالای استخوان جناغ را بپوشاند؛ حتی پاها باید پوشیده شود و از پشت جوراب نباید پوست پا دیده شود و
- پوشش سر باید تمام موی سر را بپوشاند و آرایشی که باعث جلب توجه دیگران گردد گناه بسیار بزرگی است (به نقل از ذبیهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

در آیین مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب زنان را تغییر نداده؛ بلکه قوانین آن را استمرار بخشیده است و در برخی موارد قدم فراتر نهاده و با تأکید بیشتری، اهمیت رعایت عفت مطرح شده است. در دیدگاه مسیحیت برای از بین بردن زمینه تحریک و تهییج زنان به رعایت پوشش کامل و دوری از آرایش و تزئین به صورت شدیدتر فراخوانده شده‌اند (به نقل از ذبیهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

در سیره بزرگان صدر مسیحیت و قرون وسطی نیز توجه به رعایت عفت و حجاب وجود داشته و عموم زنان مسیحی به آن پایبند بودند. از قرن سیزده و سپس در دوره رنسانس است که تحولات عقیدتی و اجتماعی شکل گرفته، منجر به کاهش تدریجی رعایت عفاف و حجاب در جوامع مسیحی شده است؛ بنابراین، منشأ رعایت حریم میان زن و مرد بیگانه و فلسفه پوشش خاص زنان مسیحی، اولاً طلب عفت مطلق از لذایذ دنیوی است و ثانیاً براساس تعالیم مسیحیت، زنی که خارج از کانون خانواده به خودآرایی بپردازد و باعث لغزش مردان بیگانه گردد گناه بزرگی مرتکب شده است. بعد از دوره رنسانس و فرارسیدن جامعه مدرن صنعتی پیشرفت و توسعه انسان

در کشورهای غربی به توسعه تک بعدی با محوریت انسان و مادی گرایی تبدیل شده و الان مشاهده می شود که هیچ یک از احکام یهودی و مسیحی در مورد عفاف و حجاب در اجتماع رعایت نمی شود. گسست از معنویت و روی آوردن به لذایذ دنیوی، باعث چنین سبک پوششی در جوامع سرمایه داری شده است.

در دین مبین اسلام مسأله حجاب و پوشش یکی از اصول اساسی و بنیادی تلقی می شود. به زعم استاد شهید مطهری زنان باید پوشش داشته باشند و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار سازند و درصدد تحریک و جلب توجه مردان برنمایند؛ یعنی به جلوه گری و خودنمایی نپردازند. به گفته شهید مطهری<sup>(۹)</sup> ریشه کلی و اساسی حجاب در اسلام این است که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری، چه لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد (مطهری، ۱۳۷۹: ۷۶)؛ بنابراین مقصود از حجاب اسلامی آن نوع پوششی است که این دو ویژگی را داشته باشد: ۱) حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد و ۲) به خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق این ویژگی ها حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد؛ بلکه امری رفتاری نیز هست (صفار دستگردی، ۱۳۸۲: ۹۳).

طبق مطالب فوق، یکی از متغیرهای اصلی که می تواند پوشش هنجاری دختران و زنان را تحت تأثیر قرار دهد، دین داری است. در همین راستا، در میان نظریه پردازان کلاسیک جامعه شناسی، دورکیم<sup>۱</sup> اولین کسی است که رابطه بین هویت، مناسک و بدن را توصیف می کند. توتم پرستی، ابتدایی ترین شکل دین، مجموعه ای از باورها و اعمال مربوط به امر مقدس و امر نامقدس است که به مردم هویت مشترک مبتنی بر اصل و نسب می دهد. مناسک به عنوان نمایشی از حرکات و وضعیت هویت های جسمانی هستند که در داخل نظام پیچیده ای از آواز، رقص و تعداد محدود رژیم غذایی و تابوهای جنسی قرار دارند. برای دورکیم، بدن به عنوان نشانه ای از طبقه بندی های اجتماعی اساسی بود (لانگمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۲۲۵). در واقع از دیدگاه دورکیم، پوشاک و وسایل زینتی برای بدن انسان ابزاری برای تعامل و ارتباط متقابل و انتقال اطلاعات به دیگران تلقی می گردد و کسانی که به بهترین شیوه نشانه های کلان خود را بر بدن داشتند و ظاهر خود را طبق اعتقادات و باورهای کلان زینت می دادند، از جایگاه بالایی در جامعه برخوردار بودند (پرستش، بهنوی گدنه

و محمودی، ۱۳۸۷: ۲۸). یافته‌های تحقیقی پروانه و حقیقی (۱۳۹۶) در بررسی پوشاک بانوان ایلامی و تحلیل مردم‌شناسی آن، نشان داد که فعالیت‌های اجتماعی، گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، شرایط اقلیمی، اعتقادات و باورهای فرهنگی و مذهبی جامعه، منزلت اجتماعی، قومیت و نحوه معیشت از مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر روی پوشاک زنان بوده است. رفیع‌پور (۱۳۷۶) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که کاهش ارزش‌های مذهبی در جامعه و بااهمیت‌شدن ارزش‌های غیرمذهبی، باعث کم‌رنگ‌تر شدن حجاب و پوشش زنان شده است. یافته‌های تحقیق شالچی (۱۳۸۶) نیز نشان می‌دهد که هنجارهای انتخاب نوع پوشش در میان جوانانی که از کافی‌شاپ استفاده می‌کنند، تحت تأثیر فرهنگ سرمایه‌داری متأخر قرار گرفته و معیاری‌هایی نظیر مدبودن، زیبایی و رنگ لباس، بااهمیت‌تر از مقتضیات فرهنگی جامعه در خرید لباس تلقی می‌شود. نخعی (۱۳۸۵) برخی از علل ضعف پوشش را ناشی از عوامل بیرونی نظیر الگوهای نابه‌هنجار پوشش، بحران‌های اقتصادی، رسانه‌های گروهی، فروشندگان لباس‌های مبتذل و عوامل درونی مانند اشتیاق به پسندیدگی، ضعف دین‌داری و عدم آشنایی با احکام پوشش می‌داند. هم‌چنین براساس یافته‌های پژوهشی اخوی راد (۱۳۸۶) حجاب و لباس از ابتدای تمدن بشر به شکل پوشش تمام بدن، گشاد و بلند مطرح بوده است؛ اما با کم‌رنگ‌شدن تأثیر شرق بر غرب و کناررفتن اندیشه‌های مسلمانان، تغییر لباس با پوشش کمتر متداول گردید. سلگی و نبوی (۱۳۹۶) در پژوهش خودشان خاطر نشان کردند که حجاب، تأمین‌کننده امنیت روانی زن با محافظت از عواطف انسانی و پای‌بندی به اصول اخلاقی بوده و در تحکیم بنیاد خانواده و ضمانت سلامت معنوی خانواده و خود زن تأثیرات شگرفی دارد. مختاری، رجایی و میرفردی (۱۳۹۷) در مطالعه بر روی زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که رسانه‌های نوین ارتباطی خارجی، شبکه‌های مجازی، گسترش ارزش‌های فمینیستی، مصرف‌گرایی، لذت‌گرایی و نگرش نسبت به زن در مقایسه با رسانه‌های داخلی و هنجارهای دینی، اثرات بیشتری بر جهت‌گیری پوششی زنان دارد. نتایج تحقیق علوی و حجتی (۱۳۸۶) نیز نشان داد که اعتقادات مذهبی در حجاب و پوشش زنان مؤثر است. ظهیری‌نیا، رستگار و پاشامیری (۱۳۹۷) در بررسی دلالت‌های معنایی حجاب در میان زنان و دختران جوان بندرعباس نشان دادند که در فردی‌شدن پوشش، پوشش پدیده‌ای متفاوت از حجاب، دلالت‌های زیباشناختی و روان‌شناختی، تنوع‌طلبی، موقعیت‌مندی، نسبی‌شدن و الزامات ساختاری انعکاس‌دهنده سیالیت پوشش در برابر الگومندی پوشش است. در مجموع آنچه از نظریه‌ها و تحقیقات پیرامون ارتباط دین و پوشش هنجاری استنباط می‌شود، این است که دین و

مذهب تعیین‌کننده بسیاری از باورها، اعتقادات درباره پوشش و نحوه حضور افراد در جامعه تلقی می‌شود.

هویت اجتماعی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند در میزان پای‌بندی دختران و زنان به پوشش هنجاری مؤثر باشد. از زاویه دیگر، زیمل<sup>۱</sup> نیز رفتارهای مصرفی در جامعه مدرن در ارتباط با مد مورد تحلیل قرار داده است. به نظر وی مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی ازسویی برای فرد هویت‌بخش بوده و ازسوی دیگر متمایزکننده است. زیمل استدلال می‌کند که در فرهنگ مدرن مردم، سریع‌تر به مدهای جدید و متفاوت جذب می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند. به نظر زیمل در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند و از این رو بسیار همگن بودند؛ اما در جوامع مدرن فرایند هویت‌یابی فردی شده است. به نظر زیمل در شهرهای بزرگ شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۶).

گیدنز<sup>۲</sup> معتقد است در جوامع مدرن و جوامعی که مدرنیته بدان‌ها راه یافته، در فرآیند هویت‌یابی، دشواری‌ها و آشفتگی‌هایی به وجود می‌آید. رواج فردگرایی، مادی‌گرایی و لذت‌جویی در این‌گونه جوامع، جریاناتی بیمارگون را گسترش می‌دهد که یکی از مظاهر آن، رواج خودشیفتگی و بروز شخصیت‌های خودشیفته است. او معتقد است که در جامعه مدرن، آدم‌ها مدام به خودشان مشغولند و در پرتو معیارها و ارزش‌های مدرن، به بازاریابی و تأمل درباره خودشان می‌پردازند، در نتیجه بروز چالش‌های هویتی یکی از مشخصه‌های جوامع مدرن است (گیدنز، ۱۳۸۲). در این فرهنگ، بدن، نحوه لباس پوشیدن و خودآرایی و حتی نحوه سخن گفتن و ژست‌ها، همگی نشان‌دهنده هویت افراد می‌شود. با این وضعیت، چنانچه فرد حس کند رفتارها و ژست‌هایش تصنعی، نمایشی و مغایر با «خود واقعی» اوست، دچار بحران هویت می‌شود و حس می‌کند بیشتر امور روزمره را نه به خاطر دلایل معتبر و ارزشمند از نظر خودش، بلکه صرفاً بنابه وظیفه یا مصلحت انجام می‌دهد. این وضعیت به هویت کاذب می‌انجامد و فرد را دچار بحران هویت و اضطراب می‌سازد و چنانچه تداوم یابد، فرد دیگر نمی‌تواند به پرسش‌هایی مانند من کیستم، به کجا تعلق دارم و ... پاسخ‌هایی مناسب بدهد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۶۷).



ایچر<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) نیز مشابه گیدنز معتقد است که توسعه چارچوب نظری برای درک ارتباط بین هویت و لباس بستگی به انتخاب و تعریف دقیق اصطلاحات و نگرش جامع در جنبه‌های اجتماعی لباس دارد. تعریف جامع از لباس دربرگیرنده دو بعد تغییرات بدن<sup>۲</sup> و مکملی برای بدن<sup>۳</sup> است. از آنجا که فرم لباس به‌عنوان ابزار مؤثر در برقراری ارتباط در طول کنش متقابل اجتماعی است، بنابراین در شکل‌گیری هویت از خود و دیگران تأثیرگذار است. فرد هویت خود را براساس موقعیت‌های قرار گرفته در درون ساختار اجتماعی به‌ویژه آن‌هایی که براساس فعالیت‌های خویشاوندی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی سازمان‌دهی شده‌اند، هماهنگ و یکی می‌کند. در هویت القاشده، لباس، تکنولوژی و استانداردهای اخلاقی و زیبایی‌شناسانه در جامعه برای لباس با اهمیت است. انواع مخصوص و تناسب لباس که نشان‌دهنده هویت است ممکن است در طول زمان همراه با تحولات اقتصادی، جمعیتی و دیگر تغییرات اجتماعی تغییر کند. در همین راستا پاف و لاکنر<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) در تحقیق‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که در پی تغییرات اجتماعی و فرهنگی در دوران مدرنیته و پست‌مدرنیته، فاصله بین هویت جنسی مردان و زنان کاهش یافته و لباس‌هایی که مردان می‌پوشند زنان نیز از این لباس‌ها استفاده می‌کنند.

فجری‌نور (۲۰۱۸) نیز در پژوهش خود لباس را به‌عنوان نمادی مطرح می‌کند که می‌تواند هویت اجتماعی و فرهنگی فرد را نشان دهد. او اظهار می‌کند که هر کشور یا منطقه‌ای، به‌عنوان یک هویت ویژگی‌های مختلفی دارد که در قالب لباس‌های سنتی یا متمایز، آداب و رسوم، آوازهای محلی و زبان شناخته می‌شود. یکی از هویت‌های منطقه فرم لباس یا لباس مورد استفاده است. فرم لباس در ارتقای شناخت خصوصیات اجتماعی و فرهنگی آن منطقه بسیار مهم است و شهروندان می‌توانند فرهنگ یا هویت مناطق یا کشورهای دیگر را از سبک پوشش آن‌ها تشخیص دهند. در همین راستا، یافته‌های تحقیق شریفی و مالکی (۲۰۲۰) در بررسی نشانه‌شناسی لباس در دوران پسااستعماری نشان داد که لباس شخصیت‌های اصلی در هر روایت، به‌عنوان نشانه‌هایی برای هویت فرهنگی شخصیت‌ها استفاده می‌شود. این مطالعه هم‌چنین نشان می‌دهد چگونه ایدئولوژی ارزش‌ها، اعتقادات و در نتیجه سلطه خود را از طریق کدهای تعریف‌شده برای لباس‌ها تحمیل می‌کند.

1. Eicher.B
2. body modifications
3. supplements to the body
4. Paff. J and Lakner. H

هریستووا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در تحقیق خود دریافت که لباس و مد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ فرد است که بر تمام جنبه‌های زندگی تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که آن‌ها به‌عنوان نماد اعتبار اجتماعی، محیطی برای فردیت، نوع ارتباطات، انتخاب و تصویر در جامعه در نظر گرفته می‌شود. آکدمیر<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در تحقیق خود به ارتباط لباس با هویت را در چهار زمینه گروه‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی، متن فرهنگ و زمینه جنسی بررسی کرده و این نتیجه رسیده است که لباس به شکل روشن و ساده، بیانگر هویت و طبقات اجتماعی افراد است. هم‌چنین نتایج تحقیق او نشان داده است که هر تکه لباس از پارچه حتی رنگ آمیزی آن، نشانه‌های بصری در مورد هویت اجتماعی دارد. یافته‌های تحقیق خدادادی و احمدی (۱۳۹۴) نیز نشان داد که ملی‌گرایی بالای زنان و دختران ایرانی در پای‌بندی آن‌ها به حجاب تأثیر معنی‌داری داشته است؛ به‌گونه‌ای که با افزایش در ملی‌گرایی آنان از میزان بدحجابی‌شان کاسته می‌شود.

میزان پای‌بندی به قانون و قانون‌گرایی در بین اعضای یک جامعه نیز با رعایت پوشش هنجاری و حجاب در ارتباط است. در همین زمینه، دوسرتو<sup>۳</sup> اعتقاد دارد که قانونی وجود ندارد که تأثیراتی بر بدن‌ها نداشته باشد. هر قانونی به نحوی بر بدن سلطه پیدا می‌کند. تنها ایده وجود فرد است که می‌تواند از بدن وی که با تنبیه مشخص می‌شود، مجزا شود. از تولد تا مرگ قانون بر بدن‌ها حکم‌فرمایی می‌کند تا آن‌ها را به متن خود تبدیل کند. در تمام موارد قانون، بدن را به محمل خویش بدل کرده است و از بدن جایگاهی برای قواعد و رسوم یا بازیگرانی در تئاتر سازمان یافته به وسیله نظم اجتماعی می‌سازد. قانون، افراد را در کتاب‌ها جای می‌دهد. این کتب به دو طریق عمل می‌کنند؛ از سویی بودن در زندگی را در دل متن قرار می‌دهند و این بودن را به دال قانون بدل می‌کنند و از سوی دیگر، به قانون یا منطق جامعه به انسانی و جسمانیت عطا می‌کنند. قانون متن خود را با خشونت و با داغ‌گذاران بر بدن سوژه‌هایش حکم می‌کند (اباذری و حمیدی، ۱۴۶:۱۳۸۷).

از نظر ترنر<sup>۴</sup> هر چند بدن انسان بنیان‌اندازی دارد؛ اما هم‌زمان سازه اجتماعی نیز دارد. او ابتدا بدن را به دو قلمرو داخلی و بیرونی تفکیک کرد. از نظر او وجه بیرونی بدن به چگونگی ظهور بدن‌ها که حامل شخصیت و هویت انسان هستند، در فضاها و اجتماعی توجه دارد. جنبه‌های

1. Hristova  
2. Akdemir.N  
3. Doserto M  
4. Turner.J

خارجی بدن در کانون مطالعات فرهنگ مصرفی قرار می‌گیرد. وجه درونی بدن به پرهیز و خویشنداری، یعنی کنترل امیال، تمناها و نیازها به نفع سازمان اجتماعی و تثبیت نظم جامعه مربوط است. ترنر درمی‌یابد که نهادهایی مانند نهاد قانون و نهاد حقوقی، مذهبی و پزشکی بیشترین اشتغالات را برای تنظیم بدن دارند. در بیان ترنر آنچه قبلاً برای بدن انسان غیر مشروع، حرام و مخالف موازین اخلاقی دینی محسوب می‌شد، در دنیای جدید رنگ پزشکی یافته است و از مصادیق امور غیر بهداشتی و مضر برای بدن محسوب می‌شود (کیوان آرا، ۱۳۸۶: ۸۹).

در هر جامعه‌ای حجاب و پوشش وابسته به فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای رایج در آن است. این ارزش‌ها و هنجارها برحسب نوع جامعه متفاوت است. لوو و میگل<sup>۱</sup> از چهار نوع ارزش سخن می‌گویند. این چهار نوع ارزش عبارتند از: ارزش‌های اخلاقی، ارزش‌های دینی - متافیزیکی، ارزش‌های مادی و ارزش‌های زیباشناختی. هر یک از این ارزش‌ها می‌تواند موجب سبک زندگی باشد. ارزش‌های مادی مبنای تخصیص سرمایه، زمان و نهایتاً مصرف مادی هستند؛ ارزش‌های زیباشناختی مبنای ادراک فرد از هنر و محصولات فرهنگی‌اند؛ ارزش‌های اخلاقی مبنایی برای اندیشیدن و عمل کردن در همه موقعیت‌هایی هستند که فرد باید قضاوت اخلاقی کند و نهایتاً، ارزش‌های متافیزیکی راهنمای تصمیم‌گیری افراد در موقعیت‌هایی هستند که فرد با مسائل وجودی درگیر می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ص ۹۲)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در نزد کسانی که معتقد به ارزش‌های اخلاقی و متافیزیکی هستند و اهمیت این گروه از ارزش‌ها بیشتر از ارزش‌های مادی و زیبایی‌شناختی است و در سبک و نوع پوشش هویت مدگرا نخواهند داشت. در مقابل افرادی که به ارزش‌های مادی و زیبایی‌شناختی اهمیت زیادی قائل هستند، شخصیت مدگرا داشته و با تغییر مد، ظاهر وی نیز تغییر خواهد کرد. روند تحول در جامعه مدرن غربی نشان‌دهنده غلبه ارزش‌های مادی و زیبایی‌شناختی ظاهری بر ارزش‌های اخلاقی و متافیزیکی است. این امر باعث پشرفت تک‌بعدی انسان می‌شود که ممکن است در آینده دچار بحران‌های اساسی شود (رفعت‌خواه، ۱۳۸۶: ۶۵).

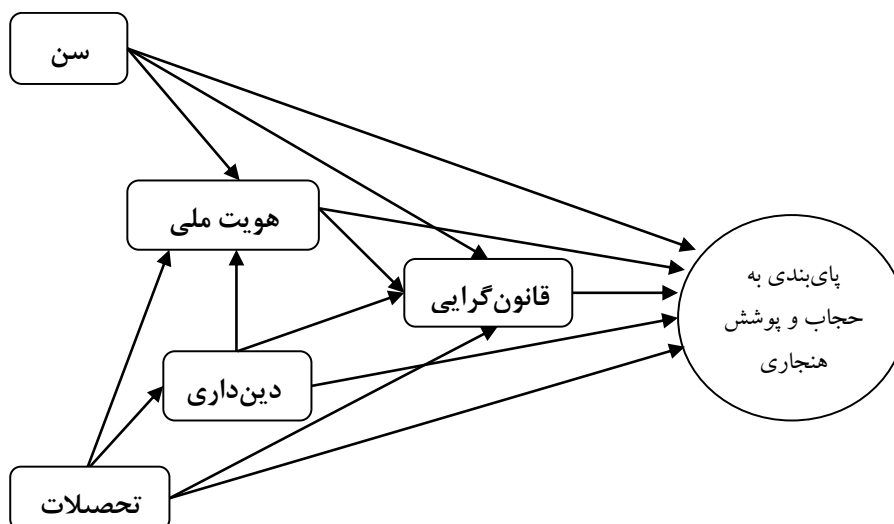
یکی دیگر از متغیرها که تأثیر آن بر روی میزان پای‌بندی به حجاب و پوشش هنجاری در تحقیق حاضر بررسی شده است، متغیرهای زمینه‌ای مانند سن و تحصیلات بوده است. در همین راستا، رابینسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) ادعا می‌کند که سن، وضعیت تأهل، تصور بدنی و رضایت از بدن بر

1. Love & Miegel  
2. Rabinson. T

رفتارهای پوششی و مدیریت ظاهر زنان تأثیر بسزایی می‌گذارد. علوی و حجتی (۱۳۸۶) نیز عواملی نظیر سن، تحصیلات، درآمد، محل تولد را مطرح نموده است که در حجاب و پوشش زنان مؤثرند.

بررسی نظریه‌ها و تحقیقات مطرح شده در مقاله حاضر نشان می‌دهد که حجاب و پوشش در جوامع تحت‌الشعاع تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. وجود نشانه‌هایی از هنجارهای فرهنگ سرمایه‌داری نظیر کوتاه‌شدن، تنگ‌شدن، اندامی‌شدن، نزدیک‌شدن لباس‌های زنان به مردان، بدن‌نماشدن لباس‌ها، از جمله تغییراتی است که در این حوزه اتفاق افتاده است. برحسب نظریه‌ها و تحقیقات مرتبط می‌توان گفت که سطح دین‌داری جامعه در پوشش و حجاب اعضای آن نمود پیدا می‌کند. هم‌چنین پوشش و حجاب در هر جامعه‌ای تابع هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و ملی آن جامعه است و میزان رعایت قانون و قانون‌گرایی مردم یک جامعه نیز در رفتارهای آن‌ها دخالت داشته و آن‌ها را به سوی رفتارهای مطابق با هنجارهای جامعه هدایت می‌کند؛ اما آن چیزی که در عمل در جامعه دیده می‌شود، رایج‌شدن پوشش‌هایی در میان دختران و زنان است که کمترین سنخیت با مؤلفه‌های دینی، هویتی و قانون‌گرایی را دارد. تغییرات در حوزه پوشش و لباس باعث شده است که پوشش و لباس به‌ویژه در میان زنان و دختران بار معنایی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قومی و مذهبی، اخلاقی و تربیتی مضاعف داشته باشد. پوشش و لباس نمادی اقتصادی است برای نشان‌دادن ثروت، منزلت و طبقه اجتماعی؛ نمادی اجتماعی و سیاسی است برای نشان‌دادن تأیید یا اعتراض به شرایط حاکم بر جامعه؛ نمادی فرهنگی و مذهبی است برای نشان‌دادن تعلق به گروه‌های مذهبی و قومی و نمادی اخلاقی و هنجاری است برای نشان‌دادن میزان هم‌نوایی و ناهم‌نوایی با هنجارهای حاکم بر جامعه. بر همین اساس پوشش و لباس بیشتر امری اجتماعی است تا فردی و پیامدهای آن قادر است نظم اجتماعی در جامعه را تقویت یا تضعیف نماید؛ لذا برای پیشگیری از تشدید مسائل و پیامدهای مرتبط با آن نظیر بروز ناامنی، خشونت‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی، برهم‌زدن نظم روابط جنسی، افزایش آزار جنسی، اختلالات جسمانی مانند بیماری‌های مقاربتی، آسیب‌های روانی، تعارض فردی، خانوادگی و اجتماعی بین افراد و تزلزل بنیان خانواده و جامعه (معزی و زارعی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). در تحقیق حاضر سهم مؤلفه‌هایی مانند میزان دین‌داری، میزان اهمیت به هویت ملی و میزان قانونی‌گرایی در کنار متغیرهای سن و تحصیلات به صورت مدل زیر بررسی و نقش هر کدام از آن‌ها در تأثیرگذاری بر پای‌بندی به حجاب و پوشش هنجاری مشخص شده است. اینکه آیا میزان

دین داری، میزان اهمیت به مؤلفه‌های هویت ملی، میزان قانون گرایی، سن و میزان تحصیلات بر میزان پای بندی دختران و زنان شهر تبریز به حجاب و پوشش هنجاری هم چنان به عنوان عامل تعیین کننده هستند یا خیر؟



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

### فرضیه های پژوهش

- بین سن و میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات (تعداد کلاس) و میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان دین داری و میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان رابطه وجود دارد.
- بین هویت ملی و میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان قانون گرایی و میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان رابطه وجود دارد.
- مدل تحقیق درصد معنی داری از تغییرات متغیر وابسته تحقیق یعنی میزان پای بندی به حجاب و پوشش هنجاری دختران و زنان شهر تبریز را تبیین می کند.

## روش شناسی

بر حسب ماهیت موضوع مقاله، نوع تحقیق به کار گرفته شده کمی و شیوه انجام تحقیق و گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش تحقیق پیمایشی بوده است.

جامعه آماری تحقیق دختران و زنان ۱۵-۴۵ سال شهر تبریز است که طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعدادشان بالغ بر ۳۹۳۰۳۹ نفر بوده است. از این تعداد ۵۴۲ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای توأم با تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شده است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت بود: در مرحله نخست، هر یک از مناطق هشت گانه شهرداری تبریز به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده است. در مرحله دوم، کار نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه به شیوه تصادفی ساده (قرعه‌کشی) ادامه یافته و براساس آن اغلب محله‌ها و خیابان‌های هر یک از خوشه‌ها در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم، به تناسب تعداد جمعیت زن در خوشه‌ها، خیابان‌ها و محله‌های انتخاب شده در مرحله دوم به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌هایی برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده‌اند. حجم نمونه تحقیق به وسیله فرمول کوکران با مشخصات  $d=0.05$ ,  $q=0.5$ ,  $p=0.5$  و  $N=392039$  نفر برآورد شده که به خاطر افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق و کاهش خطای نمونه‌گیری، تعداد نمونه به ۵۴۲ نفر افزایش داده شده است.

$$n = \frac{NT^2 pq}{Nd^2 + T^2 pq} = \frac{392039 \times 3.84 \times 0.5 \times 0.5}{392039 \times (0.05)^2 + 3.84 \times 0.5 \times 0.5} = 400$$

جدول ۱. جامعه آماری و تعداد نمونه به تفکیک مناطق شهرداری تبریز

مناطق	جامعه آماری	نمونه آماری
یک	۸۷۹۹۸	۱۲۲
دو	۸۰۳۴۷	۱۱۱
سه	۹۳۲۲۶	۱۲۹
چهار	۸۵۷۴۹	۱۱۹
پنج	۱۸۲۷۲	۲۵
شش	۷۳۷۱	۱۰
هفت	۱۳۹۵۱	۱۹
هشت	۵۱۲۵	۷

مناطق	جامعه آماری	نمونه آماری
جمع	۳۹۲۰۳۹	۵۴۲

پس از طی مراحل نمونه‌گیری اطلاعات لازم به وسیله پرسش‌نامه گردآوری شد. پرسش‌نامه تحقیق دربرگیرنده گویه‌های استاندارد و محقق ساخته بود.

متغیر هویت ملی به وسیله ترکیبی از مقیاس‌های استاندارد در ۱۱ گویه مورد اندازه‌گیری و بررسی قرار گرفته است. تحلیل پایایی<sup>۱</sup> این گویه‌ها نشانگر این است که گویه‌هایی انتخابی برای اندازه‌گیری هویت ملی گویه‌های مناسبی هستند؛ زیرا پایایی آن‌ها در روش آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ قرار دارد. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های هویت ملی در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های متغیر هویت ملی

پایایی کل	گویه‌ها
۰/۸۸۷	در هر جای دنیا که باشم، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.
	فرهنگ و تمدن ایرانی، در مقایسه با سایر تمدن‌ها، حرف‌های مهمی برای گفتن دارد.
	به عرفان، ادبیات و اشعار فارسی علاقه دارم
	انسان‌هایی چون مولانا، حافظ و ... از برجسته‌ترین پشتوانه‌های ارزشمند فرهنگ ملی ما هستند.
	دل‌بستگی به گذشته فرهنگی و ادبی ایران باعث دوام و بقای کشور ما می‌شود.
	جشن ملی نوروز برای من ارزش خاصی دارد و آنرا دوست دارم.
	من موسیقی اصیل ایرانی را بیشتر از موسیقی غربی دوست دارم.
	در هیچ شرایطی نباید اجازه داد که بیگانگان در امور کشور ما دخالت کنند.
	من به‌عنوان یک ایرانی اجازه نمی‌دهم یک وجب از خاک کشورم به دست بیگانگان بیفتد.
	ما باید از نظر نظامی و سیاسی چنان قوی باشیم که کسی جرأت حمله به کشور ما را نداشته باشد.
اگر خدای ناخواسته مجدداً جنگی بر کشور تحمیل شود، مردم و جوانان ایران با جان و دل از کشور دفاع خواهند کرد.	

متغیر دین‌داری نیز با کمک مقیاس استاندارد بومی شده استارک و گلاک<sup>۲</sup> (۱۹۶۵) سنجش شده است. برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بررسی

1. Reliability  
2. Stark and Glock

پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا شده و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراج‌زاده، ۱۳۷۴). پرسش‌نامه دین‌داری ۲۳ گویه دارد که ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری را مورد سنجش قرار می‌دهد. تحلیل پایایی گویه‌های مقیاس دین‌داری نشان می‌دهد که مقیاس دین‌داری استارک و گلاک برای اندازه‌گیری میزان دین‌داری جامعه آماری، تحقیق مقیاس مطلوب و مناسبی محسوب می‌شود. گویه‌های مقیاس دین‌داری و پایایی آن‌ها در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های متغیر دین‌داری

پایایی کل	گویه‌ها
۰/۸۵	شیطان واقعاً وجود دارد.
	اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد همه جا را پر می‌کند.
	در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود.
	قرآن کلام خداوند است و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.
	این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی پر از عدل و داد خواهد شد.
	من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم.
	کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد.
	گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.
	بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است.
	هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم، احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.
	بعضی اوقات احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد.
	گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم برای جبران گناهانم به من کمک کند.
	تقلب در پرداخت مالیات کار نادرستی است.
	به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.
	با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.
	هر چند وقت یک بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می‌روید؟
	در ایام ماه رمضان چنانچه مریض یا مسافر نباشید، چقدر روزه می‌گیرید؟
	تا چه حد قرآن می‌خوانید؟
تا چه حد با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگر همکاری دارید؟	
چقدر نماز می‌خوانید؟	



پایایی کل	گویه‌ها
	هر چند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟
	آیا در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها که در مساجد و تکیه‌ها تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنید؟

تحلیل پایایی گویه‌های مقیاس قانون‌گرایی نشان می‌دهد که این مقیاس برای اندازه‌گیری میزان قانون‌گرایی جامعه آماری تحقیق مقیاس مطلوب و مناسبی محسوب می‌شود. زیرپایایی آن بالاتر از ۰/۷ بوده و گویه‌های مقیاس قانون‌گرایی و پایایی آن در جدول زیر منعکس شده است<sup>۱</sup>.

جدول ۴. نتایج تحلیل پایایی گویه‌های متغیر قانون‌گرایی

پایایی کل	گویه‌ها
۰/۷۹۸	شهروندان معمولاً به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند.
	از رفتارهایی که موجب نقض هنجارهای اجتماعی می‌شود بی‌زارم.
	رعایت قوانین برای زندگی اجتماعی ضروری‌ترین مؤلفه است.
	شهروندان حق تقدم را در انجام کارهای عمومی (رعایت صف‌ها) رعایت می‌کنند.
	برای شهروندان، رفتار در چارچوب قانونی مهم‌تر است.
	به‌طور کلی شهروندان شهر ما قانون‌گرا هستند.
	رعایت هنجارها و عرف بومی در پوشش برای شهروندان زن با اهمیت است.
	شهروندان زن معمولاً استانداردهای ایرانی را در لباس پوشیدن رعایت می‌کنند.

برای تعیین میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری که متغیر وابسته و اصلی تحقیق بود، از مقیاس محقق‌ساخته استفاده شده است. به این ترتیب که ۱۲ گویه به‌صورت طیف لیکرت شش‌گزینه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف برای اندازه‌گیری آن انتخاب شدند. بررسی روایی و پایایی گویه‌های متغیر سبک پوشش و حجاب زنان به‌وسیله تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ نشان‌دهنده این است که اولاً گویه‌ها از لحاظ روایی سازه‌ای در سطح مناسبی قرار دارند و این گویه، طیف میزان پای‌بندی به پوشش هنجاری را به‌خوبی ارزیابی می‌کند؛ ثانیاً آماره‌های تحلیل عاملی نیز این امر را به‌وضوح نشان می‌دهند و ثالثاً نتیجه تحلیل پایایی به روش آلفای کرونباخ نیز نشانگر پایایی بالا و مناسب گویه‌ها برای اندازه‌گیری پای‌بندی دختران و زنان به

۱. لازم به توضیح است که این مقیاس توسط خود محقق با بررسی مقیاس‌های مشابه ساخته شده است. پس از تأیید اعتبار صوری آن توسط متخصصین و مطالعه مقدماتی و برآورد پایایی اولیه، به‌صورت نهایی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

حجاب و پوشش هنجاری است ( $\alpha=0/88$ ). نتایج تحلیل روایی و پایایی متغیر پایبندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل روایی<sup>۱</sup> سازه‌ای و پایایی متغیر میزان پایبندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری

مقادیر ویژه	پایبندی بالا	پایبندی پایین	گویه‌ها
۵/۲		۰/۸۸۵	لباس‌های مد روز با مارک خارجی با سلیقه‌ام سازگار است.
		۰/۸۶۲	پوشیدن لباس‌های گران‌قیمت و منحصر به فرد برایم با اهمیت است.
		۰/۸۴۹	خرید لباس از بوتیک‌های لباس‌های خارجی را به دیگر بوتیک‌داران داخلی ترجیح می‌دهم.
		۰/۶۱۶	کفش‌های پاشنه بلند را بیشتر از مدل‌های دیگر می‌پسندم.
		۰/۵۹۰	ترجیح می‌دهم از مانتوهای رنگی در مکان‌های عمومی استفاده کنم.
		۰/۵۵۵	جذابیت در نظر دیگران به‌ویژه جنس مخالف در خرید لباس برایم با اهمیت است.
		۰/۵۲۲	مانتوهای کوتاه و بالای زانو را به مانتوهای بلند و زیر زانو ترجیح می‌دهم.
۱/۶		۰/۸۰۸	لباس‌هایی با رنگ متین و سنگین را به لباس‌هایی با رنگ تندتر ترجیح می‌دهم.
		۰/۷۷۹	موقع خرید، شلوارهای معمولی با مدل ساده را انتخاب می‌کنم.
		۰/۷۰۹	در اماکن عمومی معمولاً حجابم را کاملاً رعایت می‌کنم.
		۰/۶۴۸	مانتوهای معمولی را به مانتوهای اندامی و چسبان ترجیح می‌دهم.
		۰/۵۲۲	راحتی و آرامش بدن معیار عمده من در خرید لباس است نه مدل و رنگ و قیمت آن.
۰/۸۶۶	مقدار آزمون کایزر مایر برای کفایت نمونه‌گیری		
(sig=۰/۰۰۰) ۲۸۷۵/۷۳	مقدار آزمون بارتلت و معنی‌داری آن		
۵۶/۴۴ درصد	مقدار واریانس تبیینی		
۰/۸۸	پایایی کل به روش آلفای کرونباخ		

در نهایت پس از گردآوری داده‌ها به وسیله پرسش‌نامه، کار ورود داده‌ها به نرم‌افزار SPSS آغاز شد. بعد از اتمام کار پانچ داده‌ها، ویرایش و تغییرات لازم بر روی داده‌ها انجام شده و نهایتاً، داده‌ها برای مرحله تجزیه و تحلیل آماده گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده طبق سطوح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق<sup>۱</sup> از آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و از آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری موجود) در نرم‌افزارهای SPSS و LISREL استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که ۱) میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۸/۵۸ و میانگین سطح تحصیلات آنان ۱۱/۷۶ برآورد شده است؛ ۲) میانگین دین‌داری زنان ۸۹/۵ بوده که این میزان حکایت از دین‌داری بالای زنان دارد؛ ۳) میزان پای‌بندی به مؤلفه‌های هویت ملی در نزد زنان نیز در سطح بالا قرار دارد و میانگین آن برابر با ۴۸/۸ است و ۴) میانگین میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری ۳۹/۷ برآورد شده است. به عبارت دیگر، ۶۶/۲ درصد از زنان میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری در سطح نسبتاً بالایی قرار داشته است.

جدول ۶. نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

آماره‌ها	سن	تحصیلات	دین‌داری	هویت ملی	پای‌بندی به حجاب و پوشش هنجاری
تعداد نمونه	۵۴۲	۵۳۵	۵۰۷	۵۲۵	۵۱۲
تعداد گویه			۲۳	۱۰	۱۲
تعداد گزینه‌ها			۵	۶	۶
میانگین داده‌ها	۲۸/۶	۱۱/۸	۸۹/۵	۴۸/۸	۳۹/۷
میانگین طیفی			۶۹	۳۰	۳۶
میانگین درصدی			۷۷/۸۳	۸۱/۳۳	۶۶/۲
انحراف معیار	۸/۴	۳/۸	۹/۷	۷/۰۲	۱۱/۴
حداقل	۱۵	۰	۴۳	۱۶	۱۰

۱. متغیر تحصیلات با تعداد کلاس و در سطح کمی اندازه‌گیری شده است؛ به شکل مقابل: چند کلاس سواد دارید؟

آماره‌ها	سن	تحصیلات	دین‌داری	هویت ملی	پای‌بندی به حجاب و پوشش هنجاری
حداکثر	۴۵	۲۲	۱۱۷	۶۶	۶۰

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری با متغیرهایی نظیر سن، تحصیلات، هویت ملی و دین‌داری در جدول ۴ منعکس شده است. نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای سن و تحصیلات، هویت ملی و دین‌داری با میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری همبستگی معنی‌داری دارند. به عبارت دیگر، با افزایش سن وضعیت پوشش و حجاب نیز متناسب با هنجارهای جامعه می‌شود؛ لذا می‌توان گفت که دختران جوان در قیاس با زنان میان سال بیشتر به پوشیدن لباس‌هایی گرایش دارند که مد روز بوده و از لحاظ بصری نیز جذابیت زیادی داشته باشد. سطح تحصیلات زنان نیز مؤلفه تعیین‌کننده در میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری است. سطح تحصیلات با میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری همبستگی منفی داشته و با بالارفتن سطح تحصیلات دختران و زنان، میزان پای‌بندی آنان به حجاب و پوشش هنجاری آنها کاهش می‌یابد. دین‌داری و هویت ملی نیز از متغیرهای مهم و بااهمیت در میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری محسوب می‌شود. هرچه میزان دین‌داری دختران و زنان بالاتر باشد، به همان اندازه بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری افزوده می‌شود. در مقابل با کاهش میزان دین‌داری از میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری نیز کاسته می‌شود. این امر در مورد هویت ملی نیز صدق پیدا می‌کند. هرگونه افزایش در اهمیت دادن به هویت ملی در نزد دختران و زنان منجر به بالارفتن میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری می‌شود و برعکس.

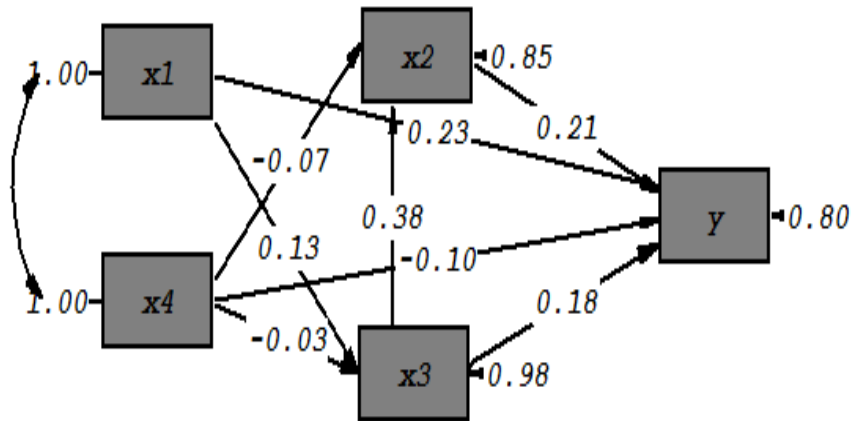
نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که متغیر قانون‌گرایی، تأثیر معنی‌داری بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری نداشته است. به عبارت دیگر، دختران و زنانی که پای‌بندی بیشتری به حجاب و پوشش هنجاری دارند در مقایسه با دختران و زنانی که میزان پای‌بندی‌شان به حجاب و پوشش هنجاری کمتر است، الزاماً قانون‌گراتر نیستند.

جدول ۷. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری با متغیرهای مستقل

متغیرها	میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری	
	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۱۸۷	۰/۰۰۰
دین‌داری	۰/۲۹۷	۰/۰۰۰
هویت ملی	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰
قانون‌گرایی	۰/۰۳۹	۰/۳۱۷

پس از طی مراحل مختلف، تدوین مدل معادلات ساختاری و اصلاح مسیرهای اثرگذاری متغیرهای مدل بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری، درنهایت مطلوب‌ترین مدل معادلات ساختاری جهت تبیین میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری تدوین شد. مدل ساختاری برآزش شده (شکل ۱) توسط داده‌های تحقیق در سطح مناسبی از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده حمایت کرده و مدل مناسبی برای تبیین میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری محسوب می‌شود؛ زیرا اولاً، کای اسکوار مدل معنی‌دار نبوده و مقدار ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز صفر است؛ ثانیاً، معیار اطلاعات آکائیک (AIC) و شاخص نسخه ثابت معیار اطلاعات آکائیک (CAIC) مدل نسبت به مدل‌های مستقل و اشباع مقادیر کمتری دارند و ثالثاً، شاخص‌های برآزش نسبی مانند شاخص برآزش هنجار شده (NFI)، شاخص برآزش هنجار نشده (NNFI)، شاخص برآزش تطبیقی (CFI) و شاخص برآزش نسبی (RFI) و برآزش مطلق مانند شاخص نیکویی برآزش (GFI)، شاخص برآزش اصلاح شده (AGFI) و شاخص نیکویی برآزش مقتصد (PGFI) و در سطح مناسب و قابل قبولی هستند (جدول ۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل معادلات ساختاری برآزش شده مدل مناسبی برای تبیین تغییرات متغیر میزان پای‌بندی به پوشش هنجاری و حجاب محسوب می‌شود.

۱. مبنای تصمیم‌گیری در شاخص‌های برآزش نسبی و مطلق به غیر PGFI و PNFI این است که مقادیر آن‌ها باید بیش از ۰/۹ باشند و مقدار دو شاخص مذکور نیز نزدیک صفر قرار گیرند.



$\chi^2=0.90, df=1, P\text{-value}=0.34328, RMSEA=0.000$

شکل ۱. مدل معادلات ساختاری میزان پای‌بندی به پوشش هنجاری و حجاب دختران و زنان<sup>۱</sup>

جدول ۸. شاخص‌های برازش نیکویی مدل تبیینی سبک پوشش و حجاب زنان

شاخص های کلی		شاخص معیار اطلاعات		شاخص برازش نسبی		شاخص برازش مطلق	
ضریب تبیین R <sup>2</sup> کای اسکویر درجه آزادی RMSEA سطح معنی‌داری	۰/۲۰	۲۸/۹۰	مدل AIC	۱	NFI	۱	۱
	۰/۹۰	۲۶۹/۴۱	AIC مدل مستقل	۱	NNFI		
	۱	۳۰/۰۰	AIC مدل اشیاع	۰/۱۰	PNFI		
	۰/۰۰۰	۱۰۳/۰۳	مدل CAIC	۱	CFI		
	۰/۴۳	۲۹۵/۸۸	CAIC مدل مستقل	۰/۹۷	RFI		
		۱۰۹/۴۳	CAIC مدل اشیاع				

RMSEA (Root Mean Square Error of Approximation), AIC (Akaike's Information Criterion), CAIC (Consistent Version of AIC), NFI (Normed Fit Index), NNFI (Non-Normed Fit Index), PNFI (parsimony Normed Fit Index), CFI (Comparative Fit Index), RFI (Relative Fit Index), GFI (Goodness of Fit Index), AGFI (Adjusted Goodness of Fit Index), PGFI (parsimony Goodness of Fit Index)

۱. چون متغیر قانون‌گرایی همبستگی معنی‌داری با میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری نداشت؛ بنابراین از مدل ساختاری برازش شده کنار گذاشته شد و برخی از مسیرهای مدل مفهومی نیز که معنی‌دار نبودند، برای ساده‌تر شدن مدل از مدل نهایی و بزارش شده حذف شده است.

بررسی مسیرهای مختلف مدل تولیدشده نشان می‌دهد که متغیر سن علاوه بر اثر مستقیم به صورت غیرمستقیم، اثر مثبتی بر روی میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سن میزان دین‌داری بالا می‌رود. هرگونه افزایش در میزان دین‌داری موجب بهبودی در سطح هویت ملی خواهد شد و افزایش سطح دین‌داری و هویت ملی در نزد زنان منجر به افزایش میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری می‌شود. متغیر سطح تحصیلات برعکس متغیر سن است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات دختران و زنان میزان دین‌داری و هویت ملی آن‌ها پایین آمده که به نوبه خود این امر بر روی میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری تأثیر منفی دارد. به عبارت دیگر، تحصیلات دانشگاهی دختران و زنان باعث کم‌رنگ‌شدن متغیر دیگر مدل لیزرل، دین‌داری است که مطلوبیت سطح دین‌داری منجر به مطلوبیت هویت ملی و بالارفتن میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری می‌گردد. بر طبق اثرات متغیرها در مدل لیزرل می‌توان گفت اولاً اثر کل متغیرهای سن و دین‌داری بیش از دیگر متغیرهای مدل است؛ ثانیاً، اثر مستقیم سن و هویت ملی در مقایسه با دیگر متغیرها بیشتر است و ثالثاً اثر غیرمستقیم دین‌داری بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری بیشتر از سن و تحصیلات می‌باشد.

جدول ۹. اثرات متغیرهای تحقیق بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری

دین‌داری (X3)	هویت ملی (X2)	تحصیلات (X4)	سن (X1)	خصوصیات مدل	R <sup>2</sup> (%)
۰/۱۸	۰/۲۱	-۰/۱۰	۰/۲۳	اثر مستقیم	
۰/۰۸	۰	-۰/۰۲	۰/۰۳	اثر غیرمستقیم	
۰/۲۶	۰/۲۱	-۰/۱۲	۰/۲۶	اثر کل	

## بحث و نتیجه گیری

پوشش و حجاب به‌ویژه پوشش دختران و زنان یکی از موضوعاتی است که در همه ادیان آسمانی نسبت به آن تأکید فراوان شده است. لباس و پوشش زنان اعم از انواع چادر و مانتو و روسری و اقسام آرایش‌ها و پیرایش‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف همگی سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگونی با خود حمل می‌کنند و نخستین نشانه‌هایی هستند که افراد از خود به نمایش می‌گذارند. بنابراین لباس و پوشش هر فرد بیانگر هویت، سرمایه فرهنگی، شخصیت، تربیت،

تحصیلات و سلیقه واقعی اوست. مقاله حاضر نیز در همین راستا به بررسی میزان پایبندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده است.

نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان می دهد که یکی از مؤلفه هایی که با میزان پایبندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری ارتباط دارد سن است. با افزایش سن رعایت پوشش و حجاب مبتنی بر مقتضیات فرهنگ ایرانی و اسلامی نیز بیشتر می شود. هم چنان که نیک بخش (۱۳۹۸) و خوش فر، باقری، برزگر و نورمحمدی (۱۳۹۴) نیز در تحقیق شان سن را به عنوان یکی از مؤلفه های اثرگذار بر حجاب و پوشش مطرح نموده اند. دختران و زنان در سنین پایین تر به لباس ها و پوشش های مد روز بیشتر توجه دارند و رعایت پوشش و حجاب اسلامی در بین آن ها کمتر از زنان میان سال است. به عبارت دیگر، با کاهش سن دختران و زنان، میزان پایبندی آنان به حجاب و پوشش هنجاری پایین تر آمده و سازگاری پوشش آن ها با هنجارها و مقتضیات فرهنگی جامعه کمتر می شود؛ اما هر چه سن بالاتر می رود پوشش دختران و زنان با هنجارهای دینی و فرهنگی مطابقت بیشتری می کند. در تبیین این یافته تحقیق با لحاظ جامعه آماری می توان گفت که با افزایش سن میزان پختگی دختران و زنان بالاتر می رود. رفتارهای تابع هیجانات و احساسات فروکش کرده و آن ها را در مسیر سازگاری با هنجارهای فرهنگی رایج در جامعه قرار می دهد. میزان پایبندی به حجاب و پوشش هنجاری نیز در اثر این پختگی و تکمیل جامعه پذیری سیر صعودی به خود می گیرد. در این میان متغیر دیگری با نام تحصیلات نیز بر پایبندی به پوشش هنجاری تأثیرگذار است. تأثیر میزان تحصیلات بر عکس سن است؛ یعنی با افزایش میزان تحصیلات در میان دختران و زنان میزان پایبندی به حجاب و پوشش هنجاری کاسته می شود. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷)، فتجری (۲۰۱۸) و علوی و حجتی (۱۳۸۶) کاملاً منطبق است. با در نظر گرفتن همزمان سن و تحصیلات باید گفت که دختران و زنانی که سن بیشتری دارند و میزان تحصیلات بالاتری دارند، کمتر به پوشش هنجاری پایبند بوده اند و در مقابل این گروه، دختران و زنانی با سن بالا و تحصیلات پایین قرار دارند که پایبندی شان بیشتر از گروه اول است. هم چنین دختران و زنانی با سن پایین و تحصیلات بالا نیز کمتر به پوشش هنجاری و مورد تأیید جامعه مقید هستند و بالأخره گروه چهارمی هم وجود دارد که هم سن شان پایین است و هم تحصیلات شان. این گروه میزان پایبندی شان به پوشش هنجاری در سطح بالاتری قرار داشته است. به عبارت دیگر، میزان تحصیلات افراد به عنوان متغیر کنترل در همبستگی بین سن و میزان پایبندی به پوشش هنجاری تأثیر کاهشی بر آن داشته و ضریب



هبستگی سن و میزان پای‌بندی به پوشش هنجاری را از ۰/۲۹ به ۰/۲۴ کاهش داده است.<sup>۱</sup> تأثیر منفی تحصیلات بر میزان پای‌بندی به حجاب و پوشش هنجاری در جامعه آماری تحقیق می‌تواند ناشی از تأثیرگذاری محیط آموزشی مدارس و به‌ویژه دانشگاه‌ها باشد. محیط دانشگاه علاوه بر اینکه محیط آموزشی است، محیط برهم‌کنش میان افراد با تنوع قومی، جنسی، اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی است. رقابت در بین دختران در دانشگاه در حوزه‌های مختلف و قرار گرفتن افراد با تنوع قومیتی، محل تولد و طبقات اجتماعی در محیط دانشگاهی، زمینه را برای تغییر در پوشش فراهم می‌کند. هم‌چنین، وجود آزادی عمل بیشتر در محیط‌های دانشگاهی به‌ویژه دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی و نظایر آن منجر به تقویت سوگیری‌ها و گرایش‌ها به نفع سبک‌های پوششی روز می‌شود. البته نباید محیط‌های آموزشی را تافته جداافتاده از جامعه در نظر گرفت، چون محیط‌های آموزشی نیز جزئی از جامعه است.

مؤلفه مهم دیگری که بر میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد، میزان دین‌داری زنان است. زنان دین‌دارتر در مقایسه با زنان با دین‌داری کمتر معمولاً پوشش و حجاب مناسب‌تر دارند، هم‌چنان‌که دورکیم معتقد است که پوشش و زینت افراد هر جامعه نشانه میزان اعتقادات دینی آن جامعه است. کسانی که به بهترین شیوه نشانه‌های جامعه خود را بر بدن داشتند و ظاهر خود را طبق اعتقادات و باورهای جامعه زینت می‌دادند، جایگاه بالایی در جامعه داشتند (پرستش، ۱۳۸۷). باکاک (۱۳۸۱) نیز به وضعیت تأسّف‌بار سبک زندگی موجود اشاره کرده و امیدوار است ادیان، به‌دلیل عرضه ارزش‌های متفاوتی و اخلاقی و هم‌چنین ارائه رشته‌ای از رفتارهای سنتی که می‌تواند سازنده سبک زندگی معنویت‌گرا باشد، بتواند نقش مؤثری در ایجاد یا تغییر سبک‌های زندگی موجود ایفا کنند؛ بنابراین می‌توان گفت که هنوز در جامعه، دین در تعیین بسیاری از رفتارهای افراد از جمله پوشش و حجاب نقش مؤثری ایفا می‌نماید. این نتیجه با یافته‌های تحقیق رفیع‌پور (۱۳۷۶) که کاهش ارزش‌های مذهبی در جامعه و تغییر ارزش‌های مذهبی به نفع ارزش‌های غیرمذهبی، باعث کم‌رنگ‌تر شدن پوشش و حجاب می‌شود هم‌خوانی دارد. علاوه بر آن، نخعی (۱۳۸۵)، نیک‌بخش (۱۳۹۸)، علوی و حجتی (۱۳۸۶) و کلانتری، همتی‌راد و مؤمنی (۱۳۹۸) علت اصلی رواج

۱. همبستگی بین سن و پوشش هنجاری ۰/۲۹ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و با متغیر کنترل میزان تحصیلات ۰/۲۴ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۴ برآورد شده است.



میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری نیز متناسب با فرهنگ و عرف جامعه است؛ اما زنانی که اهمیت کمتری بر مؤلفه‌های هویت ملی قائل می‌شوند، سبک پوشش و حجاب‌شان متفاوت‌تر از فرهنگ و عرف جامعه بوده و خودشان را بیشتر با سبک پوشش‌های فرهنگ سرمایه‌داری مطابقت می‌دهند. چنان‌که بسیاری از جامعه‌شناسان این امر را ذکر کرده‌اند که لباس هر فرهنگی متناسب با فرهنگ آن جامعه بوده و نشانه هویت اجتماعی افراد آن جامعه است. زیمل، ویلن (۱۹۸۵) و گیدنز (۱۹۹۱) به‌نوعی هر کدام به ارتباط پوشش و هویت اشاره کرده‌اند. همان‌طوری که زیمل و ویلن پوشش را هم هویت‌بخش و هم متمایزکننده می‌دانند. گیدنز (۱۹۹۱) نیز بدن و لباس پوشیدن را نشان‌دهنده هویت افراد ذکر می‌کند و معتقد است که رواج مادی‌گرایی، فردگرایی، لذت‌جویی در جوامع مدرن، جریانات بیمارگونه را گسترش می‌دهد که یکی از مظاهر آن رواج شخصیت‌های خودشیفته و بحران هویت قلمداد می‌شود؛ بنابراین، موضوع پوشش زنان در عین سادگی، دربرگیرنده عظیم‌ترین و شگرف‌ترین پیامدهای ممکن از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی، سیاسی و اقتصادی در جامعه می‌باشد و درنهایت، خدشه‌دار شدن سبک پوشش و حجاب اسلامی ممکن است اثرات زیان‌باری بر هویت ملی داشته باشد.

طبق یافته‌های به‌دست‌آمده سن، تحصیلات، میزان دین‌داری و هویت ملی از جمله متغیرهایی هستند که در میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری مؤثرند. در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی مانند کارگاه‌های آموزشی و همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی با محوریت هویت ملی و مؤلفه‌های آن و اهمیت دین و دین‌داری در جوامع عصر حاضر برای عموم خانواده‌ها به‌ویژه دختران و زنان تحصیل کرده برگزار شود تا با ترمیم میزان دین‌داری افراد و ارتقای سطح هویت ملی در آن‌ها، بتوان به‌صورت غیرمستقیم، زمینه را برای افزایش میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری فراهم ساخت. هم‌چنین برای ترمیم میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری، اجتناب از برخوردهای سلبی مکرر و استقبال از برخوردهای ایجابی لازم و ضروری است.

یکی از محدودیت‌های اساسی، تحقیق تعمیم‌پذیری نتایج آن است. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق فقط قابل تعمیم به جامعه آماری بوده و در صورت تعمیم به جامعه آماری دیگر، شرط احتیاط باید رعایت گردد. هم‌چنین، برخی از دلایل کلانی مانند فضای حاکم بر جامعه، خانواده و

افراد وجود دارد که میزان پای‌بندی دختران و زنان به حجاب و پوشش هنجاری تحت تأثیر قرار می‌دهد، خنثی کردن تأثیر این عوامل بر نتایج تحقیق خارج از توان محقق بوده است.

## منابع

- اباذری، یوسف؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات*، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره ۲۳، دوره ۶، ۱۲۷-۱۶۰.
- اخوی‌راد، بتول (۱۳۸۶)، *اشتغال زنان و فرایند تغییر پوشش*، فصل‌نامه بانوان شیعه، سال ۴، شماره ۱۱، ۱۸۰-۱۹۸.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبری، تهران، شیرازه.
- پرستش، شهرام؛ بهنویی‌گدنه، عباس و محمودی، کریم (۱۳۸۷)، *بررسی جامعه‌شناختی مدیریت ظاهر و هویت فردی در بین جوانان*، مجله علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۵، شماره ۲، ۴۹-۱۹.
- پروانه، فریبا؛ حقیقی، رضا (۱۳۹۸)، *بررسی پوشاک بانوان ایلامی و تحلیل مردم‌شناختی آن*، فرهنگ ایلام، دوره ۲۰، شماره ۶۴ و ۶۵، ۲۲۵-۲۴۶.
- حسینی‌منش، محمدعلی (۱۳۷۱)، *حجاب از دیدگاه اسلام و ادیان الهی*، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.
- خادمی، شهرزاد (۱۳۹۲)، *رمز بقای پوشش زنان هندی*، فصل‌نامه هنر و تمدن شرق، سال اول، شماره ۲، ۳۴-۳۹.
- خدادادی سنگده، جواد؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۴)، *نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان: مطالعه‌ای ملی*، فصل‌نامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۰، شماره ۳۳، ۷-۲۱.
- خوش‌فر، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راه‌کارهای ارتقای آن: مطالعه موردی شهروندان شهر گرگان*، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۳، شماره ۴، ۴۷-۷۳.
- ذبیحی، معصومه؛ موسوی، زهره‌سادات (۱۳۸۶)، *اشتراک حجاب در ادیان ابراهیمی*، مطالعات راهبردی زنان، ۳۶ (۹)، ۱۳۸-۱۶۰.
- ذوالفقاری، حسین (۱۳۸۵)، *موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی*، فصل‌نامه مدیریت انتظامی، ۱ (۱).
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶)، *هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد*، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، سال دهم، شماره ۳۸، ویژه‌نامه علوم اجتماعی، ۱۳۵-۱۷۹.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سلگی، مریم؛ نبوی، زهره‌سادات (۱۳۹۶)، *تأثیر حجاب بر سلامت معنوی زن و خانواده*، دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، تهران، دانشگاه الزهراء (سلام‌الله‌علیها).

- شالچی، وحید (۱۳۸۷)، *سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ*، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، ۹۳-۱۱۵.
- صفاردستگردی، مهدی (۱۳۸۲)، *بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی*، فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۲، ۹۱-۱۰۵.
- ظهیری‌نیا، مصطفی؛ رستگار، یاسر و پاشامیری، مسعود (۱۳۹۷)، *دلالت‌های معنایی حجاب در میان زنان و دختران جوان بندرعباس*، فصل‌نامه راهبرد فرهنگ، شماره ۴۳، ۱۲۳-۱۵۳.
- علوی، حمیدرضا؛ حجتی، رضیه (۱۳۸۶)، *عوامل مؤثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان*، تربیت اسلامی، ۲ (۴)، ۶۳-۸۸.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، چاپ اول، قم: انتشارات صبح صادق.
- قرآن کریم.
- قنبری، سمیه (۱۳۸۵)، *بررسی تحول گفتمان حجاب در مطبوعات دهه ۱۳۷۰*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (سلام‌الله‌علیها)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- کلاتری، عبدالحسین؛ همتی‌راد، فرزانه؛ مؤمنی، حسن (۱۳۹۸)، *مطالعه جامعه‌شناختی پوشش دانشجویان دختر: عوامل عینی و ذهنی*، مطالعات زن و خانواده، دوره ۷، شماره ۱، ۲۹-۵۰.
- کیوان‌آرا، محمود (۱۳۸۶)، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی*، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۹۹۱)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، ۱۳۸۲، تهران: نشر نی.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶)، *تحلیل اجتماعی مسأله حجاب*، مجله مطالعات راهبردی زنان، ۳۸ (۱۰): ۸۸-۱۳۴.
- مختاری، مریم؛ رجایی، محمدصادق و میرفردی، اصغر (۱۳۹۷)، *تبیین جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های فرهنگی جهت‌گیری پوششی زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر شیراز*، فصل‌نامه زن و جامعه، سال ۹، شماره ۱: ۱۲۵-۱۵۰.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۷)، *گزارش تحقیقی درباره حجاب*، طرح تحقیقاتی، تهران، مجلس شورای اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *مسأله حجاب*، تهران: صدرا.
- معزی، لیلا؛ زارعی، رضا (۱۳۹۵)، *تحلیل محتوای کتاب درسی تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول در مورد ترویج و تعمیق فرهنگ حجاب براساس اهداف سند تحول بنیادین*، فصل‌نامه زن و جامعه، سال ۷، شماره ۳، ۱۹۳-۲۰۸.
- مهری، بهار؛ زارع، مریم (۱۳۸۸)، *سنخ‌بندی مد در تهران: با تأکید بر نحوه پوشش زنان*، پژوهش زنان، ۳، ۷، پیاپی ۲۶، ۴۸-۲۷.
- موحد، مجید؛ غفاری‌نسب، اسفندیار و حسینی، مریم (۱۳۸۹)، *آرایش و زندگی اجتماعی دختران جوان*، پژوهش زنان، دوره ۸، شماره ۱، بهار، ۷۹-۱۰۵.
- نخعی، زینت (۱۳۸۵)، *علل ضعف پوشش و راه‌کارهای بهینه‌سازی آن*، فصل‌نامه بانوان شیعه، سال سوم، شماره ۱۰.

- نیک‌بخش، بهرام (۱۳۹۸)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب در بین زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی، فصل‌نامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۱، ۳۶۵-۳۸۷.
- یاسینی، سیده‌راضیه (۱۳۹۹)، سیاست‌های گفتمانی پوشاک زنان در ایران در دوره پهلوی اول و دوم، فصل‌نامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۲۱، شماره ۵۲: ۸۹-۱۱۰.
- یان‌دیس، تری؛ چارالامبوس، هری (۱۳۸۳)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
- Akdemir, Nihan,(2018).“Visible Expression of Social Identity: the Clothing and Fashion”,*Gaziantep University Journal of Social Sciences*, 17 (4), 1389-1397.
- Eicher,B.J (1992) “Dress and Identity”, *Clothing and Textiles Research Journal*, Vol. 10( 4), 1-8
- Fatjri Nur Tajuddin(2018). “Cultural and Social Identity in Clothing Matters "Different Cultures, Different Meanings”, *European Journal of Behavioral Sciences*, 1(4) :21-25.
- Hristova ,Tatyana (2014).“Clothing- A Choice and Image of Cultural Identity”, *Postmodernism problems*, 4(1).80-87.
- Langman .L (2003): “Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age”, *Current Sociology*, Vol. 51(3/4): 223–247
- Paff, J. L. / Lakner, H. B.(1997) “Dress and the Female Gender Role in Magazine Advertisements of 1950-1994: A Content Analysis”, *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 26 (1), 29-58.
- Robinson.T,(2003) appearance management, created appearance, body cathexis, and clothing behavior for a group of women enrolled in a commercial weight loss program, Phd Thesis, Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University, Virginia.
- Rosten, J (2007) “Personal adornment and the expression of identity in Roman Britain: a study of the material culture of appearance”,*Dissertation PhD*, University of Leicester.
- Sharify Somaye and Maleki Nasser (2020). “ Semiotics of Clothes in Postcolonial Literature”, *Chinese Semiotic Studies* , 16 (2).203-215.